

علیه اعمال فشار به خانواده های جانبختگان و زندانیان سیاسی

در یک نگاه!

فقر و حجاب: چشم اسفند یار جمهوری اسلامی

صفحه ۳

رحمان حسین زاده

ادامه چپاول در آموزش و پرورش؛

راه پیشروی چیست؟

صفحه ۴

فاطمه عسکری

دور جدید مبارزات کارگران گروه ملی فولاد اهواز

اعلامیه حزب حکمتیست

علیه اعمال فشار به خانواده های جانبختگان و زندانیان سیاسی

اعلامیه شورای همکاری

بر علیه سرکوب، حربه زنگ زده جمهوری اسلامی

سرمایه داری و بازار کارترین الکوی اقتصادی؟

با منصور حکمت در مارکسیسم و جهان امروز

ستون اخبار مبارزات کارگری

و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

یادداشتها،

کابوس شورت ها بر سر چوب!

سیاوش دانشور

۶۵۸

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۷ مرداد ۱۴۰۱ - ۲۹ جولای ۲۰۲۲

سیل؛ علیه حکومت برای

یک جنبش همبستگی

اینبار بارندگی "مونسون"، موسمی و فصلی، شهرها و استانهای ایران را درنوردید و تاکنون بیش از ۱۰۰ شهرستان و ۳۰۰ روستا با سیل و مشکلات و خسارات آن روبرو شده اند. بنا به اخبار استانهای سیستان و بلوچستان، اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، کرمان، یزد، فارس، بوشهر، سمنان، البرز، قزوین، قم، تهران، زنجان، گیلان، مازندران، گلستان و شمال خراسان شمالی، هرمزگان و خوزستان از روز پنجشنبه گذشته شاهد بارندگی های شدید و همراه با سیلاب در برخی مناطق بودند. پیش بینی میشود که بارندگی مونسون امروز جمعه تا دوشنبه ادامه داشته باشد.

حکومت اسلامی در قبال سیل کمترین اقدامات پیش گیرانه و حمایتی صورت نداد و مانند یک ناظر بیرونی و بدون مسئولیت عمل کرد. سیل تاکنون موجب خسارات جانی و مالی فراوان و نابودی تنمه زندگی محقر مردم شده است. رئیس سازمان امداد و نجات به ما خبر میدهد که بیش از ۱۴ نفر فوتی و ۱۱ مفقودی داریم. واضح است میزان تلفات و خسارت جانی و مالی بسیار گسترده تر است.

سیل امری طبیعی است و میتواند بدرجه زیادی مهار یا صدمات آن

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعلامیه حزب حکمتیست

سیل؛ علیه حکومت برای یک

جنبش همبستگی ...

مدیریت شود. مردم ایران اما با یک حکومت ضد جامعه و شیاد و دزد روبرو هستند که کمترین مسئولیتی در قبال شهروندان ندارد و در شرایط بحران سیل و خشکسالی و زلزله و غیره به مردم توصیه "دعا و نماز" می کنند. مسئولین مفتخور و فاسدی که در این مواقع مانند زاکانی شهردار تهران و نمایندگان مجلس بعد از فاجعه به محل میروند و بجای اقدامات اورژانس برای نجات مردم سیل زده و توزیع فوری امکانات ضروری وسط گل و لای سلفی میگیرند! هر هر مملکت دارای کمی حساب و کتاب اینها باید استعفا میدادند و از کارسان برکنار می شدند.

در سمت مقابل این بی مسئولیتی حکومتی و آگاهی جامعه بر آن، همواره مردم شریف و زحمتکش به همیاری دست برده اند و تلاش کرده اند زخم ناشی از سیل و زلزله را برای آسیب دیدگان با همبستگی انسانی بدرجه ای التیام دهند. در شرایطی که بخش مهمی از استانها درگیر سیل و ویرانی است، این رویه اگر نگوئیم در مقیاس سراسری مقدور نیست اما محدود است. اما همبستگی انسانی با سیل زدگان تنها میتواند بفوریت در هر استان برای بخشهای سیل زده تامین شود. میتوان با ابتکارات مختلف و با اتکا به تجربه شوراهای مردمی و نهادهای همیاری در کوتاه ترین زمان برای سیل دیدگان کمکهایی سازمان داد.

در کنار این اقدامات باید از درجه سیل بار دیگر دولت و حکومت را زیر ضرب قرار داد که کمترین مسئولیتی در قبال این بحرانا بعهده نمی گیرد. دولت، هر دولتی، مادام که اسمش دولت است موظف با پاسخگویی به بحران ها و تامین فوری نیازهای مترتب بر آنست. دولتی که در قبال سیل و زلزله و هر مشکل طبیعی و غیر طبیعی ناتوان است و شانه بالا می اندازد، تنها باید سرنگون شود و تیم های بازدید کننده آن مورد اعتراض و نفرت قربانیان قرار بگیرد.

سر دبیر.

۲۰۲۲ جولای ۲۹

علیه اعمال فشار به خانواده های جانبختگان و زندانیان سیاسی

جمهوری اسلامی تحت فشار روزافزون اعتراضات توده ای و کارگری و تقابل با نارضایتی وسیع توده ای در جامعه علیه فقر و فلاکت و اختناق سیاسی و فرهنگی، فشارهای امنیتی و بازداشتها را گسترش داده است. خانواده های جانبختگان که عزیزانشان در نبردهای خیابانی با گلوله مزدوران حکومت به خاک افتادند کوتاه نمی آیند و همین مقاومت و تلاش برای روشن شدن حقیقت و محاکمه و مجازات جنایتکاران با بازداشتهای دستجمعی و اذیت و آزار دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی رژیم روبرو شده است. بازداشت و زندانی کردن تعدادی از مادران جانبختگان آبانماه ۹۸، اعمال فشار به خانواده ها و بازماندگان هوایی اوکراینی که با شلیک موشکی سپاه به قتل رسیدند، گسترش اعمال فشار و پرونده سازی برای زندانیان سیاسی از این جمله اند.

جمهوری اسلامی غرق در فساد و تباهی و جنایت، کمترین پاسخی برای سوالات و معضلات گریبانگیر کارگران و مردم محروم ایران ندارد. یک جامعه معترض و آماده انفجار را مقابل خود دارد و تنها راهی که به مغز معیوب شان میرسد گسترش سرکوب است. لذا کل نیروی امنیتی و اطلاعاتی و سرکوب را برای خفه کردن صدای حق خواهی بسیج کرده است. این سیاست ها در جایی که عناصر تروریست رژیم در دادگاه های اروپا محکوم میشوند به خانواده های جانبختگان و زندانیان سیاسی بیشتر است.

بموازات این اقدامات سرکوبگرانه جنگی بیوقفه علیه زنان در کوچه و خیابان های ایران در جریان است. حجاب و قوانین اسلامی و آخوند بعنوان نمادهای جاهلیت و تحجر اسلامی هر روز بیشتر از دیروز با هجوم آنتی اسلامستی زنان و مردان آزادیخواه روبرو میشود و حکومت مستاصل و شکست خورده از زنان در تلاش برای ایجاد خاکریزهایی برای عقب نشینی لفظی با هدف کنترل و مدیریت اعتراضات وسیع زنان است.

اما نه سیاست سرکوب و نه اصلاح گنداب اسلامی محلی از اعراب با جامعه کنونی ایران دارد. نه تکرار دهه شصت ممکن است و نه مردم و حکومت در وضعیت دهه شصت قرار دارند. آنچه که قابل رویت است نه ترس مردم بلکه وحشت رژیم از سرنگونی و به باد رفتن کل بنیادهای حکومت اسلامی است. جسارت و رادیکالیسم در جامعه قویتر از آنست که تهدیدهای حکومتی و بازداشت های دستجمعی و پرونده سازی پاسخگو باشند. جنایت مشمول زمان نمیشود، لذا خانواده جانبختگان چهار دهه گذشته بحق کوتاه نمی آیند و در مقابل سرکوبگران با شهامت ایستاده اند و می ایستند. این روند تنها با محاکمه سران جمهوری اسلامی و عاملین جنایت در دادگاه های منتخب و عادلانه و علنی مردم میتواند به پایان منطقی خود برسد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست یاد جانبختگان را در نبردهای مختلف علیه جمهوری اسلامی گرامی میدارد و همراه و کنار خانواده های جانبختگان و زندانیان سیاسی برای اجرای عدالت و روشن شدن حقیقت و در قدم اول سرنگونی جمهوری اسلامی و دستگیری و محاکمه سران جمهوری اسلامی بجرم جنایت علیه بشریت تلاش میکند. حمایت از خانواده های این عزیزان و زندانیان سیاسی وظیفه همه جامعه بویژه نیروهایی است که تلاش دارند زندان و اعدام و تروریزه کردن فضای جامعه را همراه با جمهوری اسلامی دفن کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۵ مرداد ۱۴۰۱ - ۲۶ جولای ۲۰۲۲

مرگ بر جمهوری اسلامی!

در یک نگاه!

فقر و حجاب:

چشم اسفند یار جمهوری اسلامی

رحمان حسین زاده



از مقابله با زنان و مردان برابری طلب و ضد اسلام و حجاب "آتش به اختیاران امام جمعه و فتوا دهندگان اسپدپاشی" را به "برخورد متین و منطقی" دعوت کرد. جنبش ضد حجاب اسلامی و جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی ضعف و زیونی خامنه ای و سران جمهوری اسلامی را حاصل قدرت مبارزاتی خود میدانند و با اعتماد بنفس بیشتر و روشن بینی و سازمانیافتگی بالاتر برای پایان

دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی میکوشند. در این شرایط جنبش اعتراضی برحق علیه فقر و علیه حجاب چشم اسفند یار جمهوری اسلامی اند. اینها بازوهای مهم جنبش سرنگونی اند.

رهبر طالبان و خمینی!

بعضی رسانه های فارسی زبان این خبر را اعلام کردند، که "رهبر طالبان" در افغانستان، ملا "هیبت الله آخوند زاده" به والیان تحت فرمانش دستور داده "قوانین شریعت را پیروی کنند و قوانین ساخت بشر را کنار بگذارند". بعضی از این رسانه های معلوم الحال و "باوجدان" امثال بی بی سی انگشت به دهان و متعجب وانمود کردند، که گویا اولین بار است چنین حکم عصر حجری را از یک جانور تروریست اسلامی علیه شهروندان و بشریت می شنوند. ملا آخوند زاده همان حکم گنبدیده اسلامی را تکرار کرده، که خمینی مورد علاقه بی بی سی از همان مقطع اولیه به قدرت رسیدن اعلام کرد. اولین آخوندی که اعلام کرد "اقتصاد مال خرد است و ما برای اقتصاد و معیشت" مبارزه نکردیم، خمینی بود و اولین کسی که "حکومت اسلامی بر پایه قوانین شریعت نه یک کلمه زیاد و کم" را پایه گذاشت، خمینی بود. بر این اساس ۴۳ سال قبل نظام مخوف اسلامی با حمایت رسانه های بورژوازی امثال بی بی سی به وجود آمد و متکی به احکام شریعت خون مردم ایران را در شیشه کردند. اما مسئله اینست حاکمیت اسلامی چه در تهران و چه در کابل دوام نخواهند آورد. تنها راه خلاصی از دست جانوران اسلامی حاکم در تهران و کابل سرنگون کردن آنها است.

مرداد ۱۴۰۱

حجاب به شدت عرصه را بر سران جمهوری اسلامی تنگ کرده و فقر عرصه را بر مردم. اما هر دو میدان مبارزه تعیین کننده و گسترش یافته در ۴۳ سال گذشته علیه جمهوری اسلامی بوده اند. امروزه نبرد کارگران و مردم و زنان و نسل جوان در هر دو میدان به نقطه اوج رسیده ست. کابینالیسم حاکم و استبدادی خشن و جمهوری اسلامی متکی به کار ارزان، از یک طرف با تحمیل فقر، قصد به استیصال کشاندن جامعه و مزدبگیران و بی رمق کردن آنها را در سر میپروراند و از طرف دیگر با تحمیل حجاب اسلامی، تحمیل بیحقوقی مطلق و از جنب و جوش انداختن نیروی عظیم زنان و دختران را تعقیب میکرد. از همان روز اول و تاکنون در هر دو زمینه، محاسباتشان غلط از آب درآمد. علیرغم فراز و فرودها و دوره هایی تحمیل عقب نشینی بر روند مبارزات برحق علیه فقر و علیه حجاب، اما هیچگاه نتوانستند، کارگران و زنان و مردان معترض علیه فقر و تنگدستی و گرانی و بیحقوقی و حجاب و قوانین شرعی و اسلامی را به استیصال بکشند. صحنه مبارزات پرشور بزرگ و کوچک علیه فقر و تبعیض و علیه حجاب و آپارتاید جنسی بخش مهمی از تاریخ مبارزات آزادیخواهانه بیش از چهار دهه گذشته است.

تناسب قوا به نحو مثبتی به نفع جنبشهای اعتراضی علیه فقر و گرانی و تبعیض، برای تامین معیشت و سلامت و آزادی و برابری و رفاه و جaro کردن جمهوری اسلامی در حال گسترش است. مهمتر اینکه جنبش ضد حجاب اسلامی و "حجاب بی حجاب و پرت کردن حجاب" عملاً در موقعیت تعرضی، قدم به قدم عقب نشینی های مهمی را به جمهوری اسلامی تحمیل کرده و میکند. چهارشنبه گذشته خامنه ای سردهسته جنایتکاران و "فرمانده آتش به اختیاران و اسپدپاشان" از سر استیصال و ناتوانی اینبار برای حفظ ظاهر و پوشاندن عجز و ناتوانی

"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد!"

ادامه چپاول در آموزش و پرورش؛

راه پیشروی چیست؟

فاطمه عسکری

دهن کجی به یکسان سازی حقوق، رتبه بندی، بازداشت و انگ به حق طلبان بس نبود که با توهینی جدید تحت عنوان؛ "کارآمد نبودن بازنشستگان" از طرف حکومت اسلامی آنهم با توجه به اینکه اکثریت دست اندرکاران علیرغم کهولت سن با مغزهای پوسیده و قرون وسطایی، خودشان را معیار کارآمد بودن دانسته و به چپاول و جنایاتهایشان ادامه میدهند. نتیجه کارآمدی این به اصطلاح متخصصین حکومت هار اسلامی نابودی و فلاکت روز افزونی است که عاید بخش های مختلف طبقه کارگر جامعه است.

جواب توهین ها، بازداشت و حکمهای ساختگی بیدادگاههای حکومتی و قلچماقی روز افزون علیه فعالین و جامعه، انسجام و تدوام هرچه گسترده تر اعتراضات بخش های مختلف طبقه کارگر و مزدبگیران بخصوص بازنشستگان در سطحی سراسری و بعد از عروج جنبش معلمان کشور است.

براساس بند تبصره دوازده قانون بودجه ۱۴۰۱، حق التدریسی اضافه کاری جز هزینه هایی است که باید به صورت ماهانه پرداخت شود. در حالی که پرسنل وزارت ستادی ها ماهانه این حق را دریافت می کنند، چگونه است که این لایحه در مورد معلمان و پرسنل اداری آموزش و پرورش در استانها اجرا نمیشود؟

وزارت آموزش و پرورش میگوید بودجه پرداخت پاداش بازنشستگی معلمان را ندارد. معلمان میپرسند؛ اگر تامین بودجه غیر ممکن است، پاداش همکاران بازنشسته ستادی، وزارتخانه، تامین بودجه، چگونه تامین شده است؟

ادامه وجود مدارس غیر دولتی و بازی نظارت در این مراکز چپاول به شکل تعیین مبلغ حق ثبت نام برای مقاطع مختلف و هزینه کلاسهای تقویتی با تبصره نظارت چپالوسان و همراهان حکومت اسلامی تحت عنوان؛ "بازرسین" یکی دیگر از شگردهای وزارت آموزش و پرورش می باشد. لذا علاوه بر بازیهای همیشگی بر سر شهریه و غیره، در بعضی مدارس خصوصی شهریه های نجومی و دلخواه مدیران را که نتیجه بازاری و کالائی کردن تمام عیار آموزش در سیستم هار سرمایه داری است را نمیشود نادیده گرفت.

اعلام تصمیمات جدید اخذ شده در مورد حقوق شاغلین در مدارس خصوصی یکی دیگر از سرپوشهای حکومت بر واقعیت حقوق زیر خط گرسنگی این بخش از بدنه آموزشی کشور است، چرا که شاغلین در این مدارس عدهای استمار شده توسط صاحبان و موسسین این مراکز آموزشی در جهت سودجویی هستند.

این مصوبات فقط برای کشیدن بیگاری و افزودن سرمایه این بخش از نظام سرمایه داری حاکم بر جامعه است. از سوی همین بخش سرمایه داری محتوای بخشنامه ها در خصوص موارد حقوقی و مالی عملا اجرا نشده و فقط با زدوبند و روابط رانتی و غیره با ایجاد



سرپوش به فعالیت خود ادامه میدهند، چرا که در عمل مدیران و موسسین، قراردادی مقابل کارکنان گذاشته و حقوق دلخواه خودشان را به آنان تحمیل می کنند. بازرسین اداره آموزش و آموزش هم با گرفتن زیر میزی بر تخلفات مختلف مالی، ساختاری و حتی ساختمانهای موسسات که فارغ هرگونه استانداردهای لازم میباشند، چشم پوشی کرده و بشکلی فرمالیته به ظاهر نظارت خود را به انجام می رسانند که در نتیجه معلمین و سایر کادرها غیر از مدیر و موسسین عایدشان فقط زحمت دو چندان نسبت به مدارس دولتی می شود.

اولیا دانش آموزان اینگونه مدارس در جهت آینده ای بهتر برای فرزندانشان متحمل هزینه های کلان اند، اما از تخصیص چند درصدی شهریه پرداختی آنان برای آموزش بی خبرند. از طرفی با فلاکتی که حکومت برای جوانان تحمیل کرده چه از نظر پوشش، آزادی و چه در سطح اظهار عقیده و حتی غیر استاندارد بودن محتوای کتب درسی و سیستم آموزشی در مقایسه با استانداردهای بین المللی یا در شرایطی که حکومت بخاطر منافع مالی و اهداف منفور خودش نخبگان دانشجو را زندانی و شکنجه میکند، انتظار آینده ای روشن و درخشان در تداوم این شرایط تحت حکومت جمهوری اسلامی، متأسفانه باید گفت؛ رویایی بیش نیست.

اولیا برای مقابله از تکرار این واقعیات تلخ لازم است در کنار معلمانی باشند که به خاطر احیای خواسته های برحق خود و بهینه شدن سیستم آموزشی و حق آموزش رایگان که مربوط به دانش آموزان میباشد دست به اعتراضات سراسری میزنند. انفعال در همراهی با معلمان از هر بخش جامعه و طبقه کارگر که بخاطر سعادت فرزندان همین بخش جامعه تحت فشار و شکنجه با احکام سنگین روبرو هستند در واقع توازن قوای سیاسی را نمیتواند به نفع مردم و جنبش های آن تغییر دهد.

اگر می خواهیم به خواستهای طبقاتی در دل طبقه کارگر در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی یک گام نزدیک شویم، تقاطع اول برسر همراهی و مبارزه جهت آزادی معلمان پیشرو در جنبش معلمان، خواست معلمان و بازنشستگان از آموزش رایگان تا لغو پولی سازی آموزش و تامین معیشت مناسب با هزینه های زندگی است. این همراهی طبقاتی در دل طبقه کارگر میتواند توازن قوای سیاسی را در حد کلان تغییر دهد تا سایر بخش های طبقه کارگر بتوانند خواستهای خود را فریاد زده و دست به اکت های میدانی زنند.

یادداشتها،

سیاوش دانشور

صدای خرد شدن استخوانهای حکومت
اعترافات یک حزب الهی قدیمی

عباس عبدی یادداشتی در مورد مانقو و حجاب سرهم کرده است که در آن مانند بقیه اصلاح طلبان ورشکسته و طرفداران دلسوز نظام اعتراف می کند که در جنگ برسر حجاب شکست خوردیم و باید راه دیگری پیدا کنیم. عبدی میگوید: "باید توجه داشت که شکست سیاست‌های فرهنگی خیلی پیش‌تر رخ داده و صدای شکستن استخوان‌های آن نیز شنیده می‌شود، ولی برخی افراد برای نشیندن این صدا، هنوز در پی بیان توجیهات عجیب هستند".

خبر قدیمی و دست چنم است، سیاست‌های فرهنگی رژیم مدتهاست که ورشکست و نخ نما شده است، جنگ حجاب تنها یک سوپه آنست. تمایل ضد اسلامی و ضد دینی بستر اصلی این شکست است و رابطه خصمانه مردم با حکومت بیان وصله ناجور بودن کل حکومت اسلامی با جامعه ایران است.

اگر فکر می کنید در بحث حجاب موضع امثال عباس عبدی و مهدی کروبی و اصلاح طلبان و آیت الله قاتل‌هایی چون موسوی اردبیلی به هر حال بهتر است، چون مخالف حجاب اجباری و گشت ارشاد هستند، حسن نظر دارید. خیر، اینها صف اورژانس و دیده بان حکومت منحوس اسلامی هستند که باید به موقع اعلام "خطر" کنند و بموقع ادای بنی احمدهای نظام اسلامی را در بیاورند. اینها خودشان از پیشکسوتان تحمیل حجاب و همین سیاست‌های ورشکسته فرهنگی بودند که الان خبر صدای شکستن استخوان‌های این سیاستها را به برادران خشکه مقدس‌تر یادآوری می کنند.

کل جمهوری اسلامی پدیده ای شکست خورده است، بن بست و شکست اقتصادی و سیاسی و فرهنگی به مرز تلاشی و خارج از کنترل رسیده است. معضل اینست اعترافات این بانیان حجاب و فرهنگ اسلامی دیگر دردی از رژیم دوا نمیکند، دیر شده است.

عبدی بسیار پخته است که فکر میکند با این نوع مواضع احیانا زنان و مردان آزادیخواه جای اصلاح طلب را با اصولگرا عوض میکنند یا جدال را به دو قطبی اجبار و اختیار تنزل میدهند. دیگه "تمومه ماجرا"!
بقول توماج "سوراخ موش بخر!"

۲۶ جولای

کابوس برافراشتن

"شورت‌ها برسر چوب"!

جنگ حجاب به مراحل جالب و قابل تعمقی رسیده است که از دریچه آن میتوان به منظره ویرانی نظام اسلامی به تماشا نشست.

مجلس اسلامی از بررسی عدم حضور گشت ارشاد با مسئولان فراجا صحبت کرده و روزنامه آرمان ملی "گشت ارشاد در ایستگاه آخر" را تیتیر کرده است. انتقاد درون خانوادگی - حکومتی به گشت ارشاد و بی حاصلی آن بالا گرفته است. میگویند جوادی آملی از سال ۹۶ به این نتیجه رسیده است که حجاب را با سرنیزه نمیتوان تحمیل کرد. نوری مفیدی از دیگر دایناسورهای مذهبی اضافه کرده که رضا خان نتوانست با زور حجاب را از سر زنان بردارد و امروز با زور نمیتوان حجاب را برسر بانوان انداخت. حسن خمینی هم گفته اینکارها هرچه باشد "ارشاد" نیست و نگران ارشاد به روایت خودش است. امنیتی‌های مجلس نیز میگویند برخورد گشت ارشاد تبدیل به مسئله ای امنیتی شده است! این کد "امنیتی شدن" را بخاطر بسپارید.

در این میان پلیس هم مدعی شده که بدلیل برخورد بد گشت ارشاد از آن مادر و دختر دلجویی کرده است. به این طیف انتقاد درون خانوادگی بیانیه ملی مذهبی‌ها و باصطلاح "نوگرایان دینی" را اضافه کنید که در این هیاهو مشغله شان نجات "اسلام رحمانی" از زیر فشار انتقاد و عمل زنان علیه حجاب و قوانین اسلامی است.

در سمت دیگر خشکه مقدس ترها سنگر گرفتند که هر روز و هر لحظه در شیپور بزنید و بکشید و اسید بپاشید می دمند و یک ذره عقب نشینی در مقابل زنان را مصادف با مرگ نظام میدانند. یکی حجاب را خاکریز اول نظام میدانند که با فروریختن آن همه خاکریزها سقوط می کند. دیگری مشغول سناریوسازی برای زنان معترض و بازداشتی و بالابردن هزینه امنیتی نه گفتن به حجاب است. باهنر بی هنر فرموده اگر اجبار نباشد یواش یواش شلورها کوتاه و دامن‌ها بالای زانو می‌رود. دایناسور دیگری وحشت زده گفته امروز روسری بر چوب می کنند و فردا شورت را. خلاصه در این اردوگاه تمام مسائل جهان در حجاب و چشم حریص و مغز مریض و تحریک بیوقفه این نمایندگان خدا بر روی زمین کانونی شده است.

این صحنه‌ها بشدت مایه غرور و افتخار زنان جسور و آزادیخواه است. هر دو سو شکست خورده اند و هر دو سو تلاش دارند کشتی سوراخ نظام را روی آب نگهدارند. منتقدین مصلح "اسلام رحمانی" و مخالف اجبار و ارشاد، خودشان و امام شان این بساط را راه انداختند و روز خودش و طی سالها وحشیانه ترین خشونت و جنایت را علیه زنان مرتکب شدند. حالا فکر میکنند اوضاع خراب تر از آنست که بشود این سیاست را ادامه داد و خاکریز عقب نشینی برای دفاع از نظام و اسلام حدادی می کنند. برادران خشکه مقدس ترشان کابوس

صفحه ۶

توقف جنگ بیدرنگ! نه به جنگ دولتهای سرمایه داری!

یادداشتها ...

صحنه های شورت بر چوب در خیابانها، پیروزی مینی ژوب بر کیسه حجاب اسلامی، حجاب سوزان و عبا و عما کشیدن از سر و تن تن پرور آخوندها را دارند. هر دو به بن بست رسیدند و هر دو راه پس و پیش ندارند. «امنیتی شدن حجاب» یعنی تبدیل یک مسئله یا موضوع محدود به امری سیاسی و امنیتی در بعد سراسری که تأثیرات فراتر از خود موضوع را بر فضای عمومی جامعه و موقعیت در هم ریخته حکومت خواهد داشت. امنیتی شدن یعنی راه عقب نشینی را خارج از بحثهای خانوادگی باندهای اسلامی در مورد حجاب آنهم بدلیل منافع بزرگتر نظام باید جست.

جمهوری اسلامی در جنگ حجاب شکست خورده است. بارقه های پیروزی زنان مشهود است و با تمهیدات تشدید سرکوب و حزب الله چرخانی و چماقداری جواب نمیگیرد. جمهوری اسلامی در فضایی تنفس می کند که هر لحظه ممکن است یکی از این حضرات مورد تهاجم یکی از نفرین شدگان قرار گیرد. دوره شعار دادن تمام شده است.

وقت آنست هجوم را گسترش دهیم. حجاب اسلامی نمیخوایم. نمیتوانید با اراده دهها میلیون زن و مرد آزادیخواه دربیافتید و هر ساعت مشغول جنگ خیابانی باشید. در یکی از این جنگها زیرتان می کشیم. به نفع نان است عقب بروید و بساط لات و لوتهای ارشاد و مزاحمت برای زنان را تعطیل کنید. در این جنگ فی الحال بازنده اید، اگر هنوز سیاست اعمال توحش دارید، به زبان خودتان با شما رفتار خواهد شد.

داستان این «نواندیشان» عهد عتیق مصداق ابوعطا خواندن قورباغه است. حالا شکست خط منحنی نواندیشی دینی و اصلاح طلبی فعلا بکنار، آویزان شدن به عدد ۱۴ و تداعی بار اسلامی این «معصومان زمانه» هم را صرف نظر کنیم.

مشکل این حضرات و خانمهای محجبه مخالف اجبار و ارشاد اینست که سمبه مخالفت زنان بسیار پر زور است. تاریخ اندیشان ما دریافته اند که این جنگ فقط برسر حجاب نیست هرچند حجاب اسلامی بعنوان لوگوی آپارتاید اسلامی را دفن میکند اما کل آنچه که منعبت از اسلام است را به زیاله دان می ریزد. لذا اسلاميون تاریخ اندیش در کنار برادران متحجر حاکم وارد گود شدند تا جلوی این سیل سدی ببندند. دارند راه سازش با زنان را به عبای فقها و دایناسورهای خوب گره میزنند.

خیر، این دیگر زیادی کمیک است. بروید بساط دکان پروتستان بازی اسلامی را جای دیگری پهن کنید. شما و خامنه ای و علم الهدا ممکن است اختلاف خانوادگی داشته باشید اما در تقابل با زنان و تحمیل حجاب تاریخ مشترک دارید. شما نمیتوانید در هر دوره قهرمان بازی باشید.

این واقعیت قدرتمند نفی حجاب و قوانین اسلامی توسط زنان در یک شرایط بشدت نابرابر است که نه فقط حکومتی ها را دلیل کرده بلکه هر محجبه و کهنه آخوند و طلبه را با نام «نواندیش» به عکس العمل واداشته است. ایران لوتر و نواندیش دینی برای نیش قبر اسلام کمتر وحشی نمیخواهد، ایران صحنه آنتی اسلامیسیم خواهد بود و تقابل با حجاب اسلامی صرفا یک گوشه این تصویر است.

#نه_به_حجاب_اسلامی
#حجاب_سوزان
۲۳ جولای

#نه_به_حجاب_اسلامی
#حجاب_سوزان
۲۴ جولای

حجاب و اختلاف میان اسلاميون

«نواندیشان دینی» علیه اجبار در حجاب

بدنبال اعلام مخالفت تعدادی از خانم های محجبه با گشت ارشاد و اجباری بودن حجاب، حال بیانیه ای توسط ۱۴ نفر امضا شده که بی بی سی آنها را «پژوهشگران نوگرای دینی-اسلامی» نامیده که عبارتند از: حسن یوسفی اشکوری، محمدجواد اکبرین، عبدالعلی بازرگان، میثم بادامچی، رضا بهشتی معز، حسین کمالی، رضا علیجانی، علی طهماسبی، حسن فرشتیان، سروش دباغ، احمد علوی، داریوش محمدپور، مهدی ممکن و یاسر میردامادی.

این آقایان تاریخ اندیش دست بدامن آخوندها و فقهای خوب شدند که تناقض اسلام و این اجبار و نهی از منکر را توضیح و به سیاستمداران حاکم بفهمانند.



حجاب اسلامی لوگوی نظام آپارتاید جنسی و

پرچم تحقیر زن است. حجاب ها را بسوزانید! نابود

باد نظام آپارتاید جنسی و اسلامی!

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

آیاسرمایه داری و بازار کارترین و مقدورترین الگوی اقتصادی است؟

با منصور حکمت در مارکسیسم و جهان امروز

انترناسیونال: یک وجه عمده تعرض ضد سوسیالیستی ای که در جریان است وجه اقتصادی است. سقوط شوروی به رواج این حکم میدان داده که سرمایه داری و بازار بهترین، کارآمدترین و مقدورترین الگوی اقتصادی ای است که جامعه بشری در طول تاریخ به آن دست یافته است. شما بعنوان یک مارکسیست چه پاسخی به این ادعا دارید؟

منصور حکمت: دو موضوع را اینجا باید از هم تمیز داد. یکی مقایسه عملکرد مدل‌های مختلف سرمایه داری در غرب و شرق است و دوم مقایسه سرمایه داری (چه رقابتی و چه غیر از آن) با سوسیالیسم بعنوان یک آلترناتیو اقتصادی و اجتماعی. سوسیالیسم به معنی مورد نظر مارکسیستها تا امروز عملاً جایی برپا نشده است. ما معتقد نیستیم که نظام اقتصادی در شوروی در هیچ مقطعی از دیدگاه کارگری و مارکسیستی میتوانسته سوسیالیستی اطلاق بشود. بنابراین به مساله سرمایه داری و سوسیالیسم بعداً میپردازم و ابتدا به نکاتی راجع به مدل‌های مختلف توسعه سرمایه داری در غرب و شرق اشاره میکنم.

آیا سرمایه داری متکی به بازار و رقابت "بهترین، کارترین و ممکن ترین" الگوی اقتصادی برای جامعه است که تاکنون عملاً وجود داشته است؟ برای آنکه اصولاً بتوان به این سوال پاسخ داد باید ملاک تعریف شده ای برای قضاوت بهتر و بدتر بودن و کارآمد بودن و نبودن سیستم های اقتصادی داشت. این کلمات شدیداً سوپژکتیو و نامعین اند، زیرا بسته به اینکه مفسر چه انتظاری از الگوی اقتصادی داشته باشد ملاک تشخیص میتواند متغیر باشد. این در خود علم اقتصاد بورژوایی مدتها یک موضوع مورد بحث بوده است. رشد کمی اقتصاد، رشد تکنیکی، نحوه توزیع ثروت، پایه صنعتی، سطح اشتغال، مرغوبیت محصولات، خودکفایی و یا موقعیت محکم در بازار جهانی و غیره در خود مکاتب مختلف اقتصاد بورژوایی بعنوان ملاکهای مختلف و حتی متناقضی برای تعریف الگوهای تولیدی بهتر و بدتر بکار رفته اند و مکاتب اقتصادی و احزاب سیاسی بورژوایی مختلف را به جدل با هم کشیده اند. در قبال صفات "کارترین و ممکن ترین" مدل اقتصادی میشود پرسید "کارترین و ممکن ترین الگوی اقتصادی برای چه جامعه ای، در چه دوره ای و با چه معضلاتی؟". این بویژه یک مساله قدیمی اقتصاد توسعه بوده است. بعنوان نمونه، مدل بازار آزاد برای سرمایه داری و بورژوازی روسیه پس از وقوع انقلاب کارگری اکتبر ابداء آلترناتیو ممکن و کارآمدی نبود. تاریخ بخش اعظم کشورهای عقب افتاده تر (یا حتی کشورهایمانند ژاپن) شاهد این واقعیت است که حتی تشکیل بازار داخلی کار و کالا در مراحل اولیه و یا شکل دادن به یک پایه صنعتی اولیه و مقدماتی، کنار زدن موانع پیشاسرمایه داری و نظیر اینها، بدون دخالت از بالا در مکانیسم بازار ممکن نبوده است. تاریخ خود سرمایه داری غربی پر از مقاطعی است که دولت ناگزیر به دخالت در مکانیسم بازار برای فائق آمدن به کسادها و بحران ها و یا بازسازی های تکنولوژیکی بوده است. همین امروز کلمات رقابت و بازار آزاد نمیتواند، بدون تعدیلات مهمی در این مفاهیم، برای توصیف مشخصات سرمایه داری غربی بکار برود زیرا دولت و انحصارات

غیر دولتی نقش ساختاری اساسی در جهت دادن به حرکت سرمایه و تعیین شاخصهای اقتصادی نظیر قیمتها، ترکیب تولید، نرخ رشد، سطح اشتغال و غیره دارند.

با اینحال بنظر من وقتی مدافعین سرمایه داری غربی ارجحیت مدل اقتصادی غرب را بر شرق اعلام میکنند، چه با ملاک مفروضات

جامعه سرمایه داری و چه از نظر شاخصهای کمی عملکرد اقتصادی دو بلوک در یک مقیاس وسیعتر تاریخی، کاملاً حق دارند. مدل اقتصادی شوروی، بعنوان یک مدل اصلاح شده سرمایه داری، نتوانست چهارچوب مناسب تر و کارآمدتری برای انباشت سرمایه و تخفیف تناقضات درونی شیوه تولید مبتنی بر سرمایه بدست بدهد. مشخصه اصلی سرمایه داری مدل شوروی تلاش برای دور زدن مکانیسم بازار توسط یک سیستم اداری بوده است. چیزی که تقابل برنامه و بازار اطلاق میشود. از بین بردن مکانیسم بازار ممکن است، مشروط بر اینکه کل بنیاد اقتصادی سرمایه داری، یعنی کالا بودن نیروی کار، برقراری یک سیستم ارزشی بعنوان مبنای مبادله و توزیع محصولات میان بخشها و آحاد مختلف جامعه، اقتصاد مبتنی بر پول و غیره بطور کلی برچیده شود. اما حفظ این روابط و در همان حال دور زدن بازار بعنوان ظرف تعیین مادی این روابط و مقولات و مکانیسمی که آنها را به هم مرتبط میکند، بدون اخلاص جدی در کارکرد سرمایه داری ممکن نیست. این اتفاقی است که در شوروی افتاد. آنچه در شوروی رخ داد جایگزینی بازار با برنامه نبود، بلکه انتقال فونکسیونهای بازار به نهادهای تصمیم گیرنده اداری بود. در نظام سرمایه داری بازار (مستقل از حدود رقابت و انحصار) فونکسیونهای پیچیده و متنوعی را انجام میدهد. چه چیز باید تولید شود، چقدر باید تولید شود، چه تکنیکی باید بکار برود، چقدر باید مصرف شود، چه کسی باید مصرف کند، ظرفیتهای تولیدی، وسائل تولید و نیروی انسانی در چه ظرفیتی و در کدام بخشها باید بکار بیافتند، ارزش و قیمت کالاها از نیروی کار تا وسائل تولید و مصرف در هر مقطع چیست، کدام سیستم تولید و مدیریت باید بکار برود، کدام نیازها باید تامین شوند و کدام نیازها باید انکار شوند، اقتصاد باید در چه جهت حرکت کند، کدام وسائل تولید باید از دور خارج شود، کدام تکنیک باید کنار گذاشته شود و غیره و غیره. بدرجه ای که جامعه از نظر صنعتی و تولیدی رشد میکند و محصولات و نیازها تنوع بیشتری پیدا میکند، نقش بازار پیچیده تر و پیچیده تر میشود. دور زدن این مکانیسم و احاله تعیین این شاخص ها و نسبتها و جابجایی ها به نهادهای اداری، دیر یا زود سرمایه داری را به بن بست میرساند. برای دوره ای طولانی ادعای شوروی این بود که برخلاف غرب با پدیده هایی نظیر بحران های ادواری و بیکاری روبرو نیست. اما برای سرمایه داری این بحران ها، بیکاری ها و رکودها و رونق های دوره ای، مکانیسمهای بازار برای تطبیق دادن سرمایه با تناقضات اقتصادی بنیادی تری هستند. اینها روشهای تطبیق سرمایه با رشد نیروهای تولیدی در متن این نظامند، مکانیسمهایی هستند که در آن سرمایه خود را بازسازی میکند و با رشد کمی و کیفی (تکنولوژیکی) نیروهای تولیدی کنار میاید. همه شیوه های تولیدی در طول تاریخ، هر قدر استثمارگرانه و طبقاتی، در تحلیل نهایی سازمانی برای گسترش حجم تولید، رشد تکنولوژی تولید، و رفع نیازهای اقتصادی بوده اند. اگر امروز اساساً بشود چیزی درباره اقتصاد شوروی گفت اینست که این مدل، در مقطع معینی از این نظر به بن بست رسید. تجربه شوروی نشان داد که بازار

با منصور حکمت در مارکسیسم و جهان امروز ...

خود کارآمدترین ابزار محاسبه اقتصادی و تنظیم معادلات اقتصادی در نظام سرمایه داری است و حتی اگر تحت شرایط خاصی دور زدن مکانیسم بازار و احاله فونکسیون های آن به یک سیستم ابلاغ اداری، میان بره های اقتصادی معینی را ممکن کند، در دراز مدت رشد تکنیکی و تنوع نیازهای تولیدی و مصرفی جامعه سرمایه داری، این روش را به بن بست میرساند.

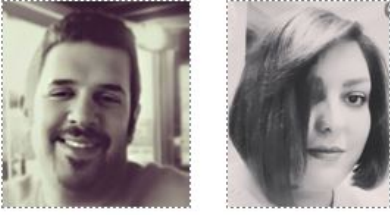
امروز بازار از سیستم اقتصادی شوروی انتقام میگیرد. بحران های نداشته، بیکاری های پنهان شده، قیمت های پائین نگاهداشته شده، صنایع سوبسید گرفته و غیره بناگاه جای خود را به بیکاری های میلیونی، تورم سرسام آور و کارخانجات عاطل مانده میدهد. معلوم میشود در تمام این مدت منطق بازار نفیاً حکم خود را رانده است. مدل شوروی، آنهم بدرجه زیادی بدلیل قدرت بسیج ایدئولوژیکی و سیاسی ناشی از آویزان شدن به میراث انقلاب کارگری اکتبر، در رشد اولیه صنعت در این کشور و شکل دادن به زیرساخت های اقتصادی کارایی داشت. بویژه مادام که رشد تولید اساساً به مصرف بیشتر نیروی انسانی و کسب ارزش اضافه مطلق مبتنی بود و این نیروی انسانی از بخش روستایی قابل تامین بود، اشکالات این سیستم برجسته نمیشد. اما فراتر از این مرحله، بویژه هنگامی که تولید ارزش اضافه نسبی از طریق بهبود تکنیک تولید اهمیت پیدا میکند، آنجا که نیازهای جامعه اعم از مصرفی و تولیدی تنوع زیاد پیدا میکند، آنجا که مساله مرغوبیت محصولات چه در تولید و چه در مصرف مهم میشود، این سیستم ضعف اساسی خود را به نمایش میگذارد. شوروی از سهم شدن در انقلاب تکنیکی دو دهه اخیر ناتوان ماند. مدل شوروی، ظرفیت تامین نیازهای مصرفی و تولیدی متنوع یک اقتصاد پیشرفته صنعتی را نداشت. بنابراین از نقطه نظر سرمایه این مدل قابل استفاده نیست و مدل غربی، سرمایه داری متکی بر نقش محوری بازار، هنوز تنها مدل کارآمد و ممکن محسوب میشود.

ممکن است گفته شود جامعه شوروی جامعه عادلانه تری بود. تامین اجتماعی و امنیت اقتصادی بیشتر بود، شکاف طبقاتی کمتر بود و غیره. از نقطه نظر بورژوازی غربی، عدالت اقتصادی لزوماً شاخص بهتر بودن یک جامعه نیست. جناح چپ بورژوازی، سوسیال دموکراسی و گرایش پیرامونی اش، اساساً برای اجتناب از شورش فقرا در مهد صنعت و مدنیت این مقوله را وارد سیستم اقتصادی خود کرده بود و همیشه به موقع با مطالعه افت و خیز منحنی نرخ سود دست از آن کشیده است. ما هم، بعنوان کمونیست و کارگر، برای عدالت اقتصادی آلترناتیو خودمان را داریم. مساله ما اولاً، ایجاد نظامی است که روی این عدالت اقتصادی بنا شده باشد، این عدالت اقتصادی را دائماً بازتولید کند و اساساً بر آن مبنا شکوفا بشود. چهل سال "عدالت" در استفاده از امکانات محدود آنهم به قیمت کار شاق و بعد به فقر و بیکاری مطلق کشیده شدن و در دست ارتجاع اقتصادی و سیاسی و فکری از قفس گریخته رها شدن، مایه خوشنودی ما نمیتواند باشد. ثانیاً، ما برای رشد اقتصادی، پیشرفت تکنیکی و گسترش ظرفیتهای تولیدی و بالا رفتن سطح مصرف و رفاه و فراغت جامعه انسانی ارزش حیاتی قائلیم. تقسیم کمبودها آلترناتیو ما نیست. هر کمبودی باشد قطعاً باید همه بارش را بدوش بگیرند، اما سوسیالیسم اقتصاد گسترش امکانات انسانها و اقتصاد تامین هرچه بیشتر نیازهای

مادی و معنوی آنهاست. اما در مورد وجه دوم سوال، در قبال این ادعا که سرمایه داری، حال مدل غربی و "پیروز" آن، بهترین و کارآمدترین نظام تاکنون موجود و مقدر برای انسان بوده است چه میشود گفت. نظام اقتصادی بسیار بهتری برای زندگی بشر در تمام طول قرن حاضر ممکن و مطرح بوده است. اگر بشر امروز در مناسبات سوسیالیستی زندگی نمیکند برای اینست که نظام کهنه با چنگ و دندان، با کشتار و شکنجه و ارباب و تحمیق و تفرقه افکنی، از خودش دفاع میکند. این نظام بهتر تعریف شده است. میلیونها انسان برای این نظام جنگیده اند و میجنگند. این ادعا که سرمایه داری بهترین نظم اقتصادی است، بزرگترین دروغ تاریخ بشر است. کثافت از سر و روی این نظام میبارد. در حالی که صدها میلیون انسان مسکن ندارند، بهداشت ندارند، مدرسه ندارند، خوشی ندارند و حتی بخشا غذا ندارند، وسائل تولید و تامین این نیازها عاطل و باطل افتاده است و دهها میلیون انسان که قادرند این وسائل را بکار بگیرند و این کمبودها را برطرف کنند بیکار نگاهداشته شده اند. عده ای را گماشته اند تا اگر کارگران سرخود به این وسائل چنگ ببندازند به سینه شان شلیک کنند. پلیس در مهد تمدن غربی معدنچی ای را که میخواهد سوخت تولید کند کتک میزند و به زندان میاندازد. کوههای کره و گندم در انبارهای جامعه اقتصادی اروپا میگردند و قدری آن طرف تر مردم دارند از قحطی میمیرند. لازم نیست از فحشاء و فقر و بیخانمانی و قحطی یا از موقعیت مردم در کشورهای عقب افتاده مثال بزنیم. در خود آمریکا ۳۰ میلیون نفر زیر سطح فقر زندگی میکنند، ۱۰ میلیون کودک فاقد بیمه درمانی اند، از نیویورک تا لوس آنجلس بی مسکنی بیداد میکند. فحشاء در کل جهان یک روش امرار معاش و سازماندهی فحشاء و تولید و توزیع مواد مخدر یک روش پر افتخار مال اندوزی است. در انگلستان منت گذاشته اند و در زمستانها ایستگاههای مترو را شب باز میگذارند تا مردم بی مسکن از سرما نمیرند. این جامعه بدون کار خانگی و فرودستی زن در صحنه اقتصادی نمیتواند روی پای خودش بایستد. این جامعه کودکان را بکار میکشد. پیران را دور میاندازد. بدون بکشت دادن و معلول کردن و فرسوده کردن نمیتواند تولید کند. این جامعه بدون انکار انسان بودن اکثریت ساکنین کره زمین و بدون چشم بستن به نیازهای اولیه آنها، از غذا و بهداشت و مسکن و امنیت اقتصادی تا فراغت و دانش و هنر، نمیتواند تعادل خود را حفظ کند.

مهم تر از همه، اساس این جامعه این واقعیت شرم آور است که بخش وسیعی از آن، اکثریت آن، برای زندگی کردن در جهانی که به آن چشم باز کرده اند باید توانایی بدنی و فکری خود را به اقلیتی بفروشند. تولید مایحتاج و وسائل زندگی انسانها به سودآوری سرمایه گره خورده است. این واقعیت ریشه همه این نابرابری ها و محرومیت هاست. کار مزدی، تقسیم جامعه به کارگر و سرمایه دار، به مزد بگیر و مزد بده و تنزل دادن کار، بعنوان یک فعالیت مولد و خلاق، به "شغل"، بعنوان روش امرار معاش، بخودی خود حکم ورشکستگی این نظام است.

بنظر من کسی که نظام اقتصادی موجود را بهترین و ممکن ترین نظم مینامد دارد به توحش خودش اعتراف میکند. واقعیت اینست که بویژه با نقد مارکس به سرمایه داری، بشریت ضرورت و امکانپذیری یک نظام اقتصادی و اجتماعی برتر را اعلام کرده و حتی خطوط اساسی چنین جامعه ای را ترسیم کرده است. جامعه ای متکی بر برابری و آزادی کامل انسانها، جامعه ای مبتنی بر تلاش خلاقانه همگانی برای تامین نیازهای بشری، جامعه ای که در آن وسائل تولید دارای مشترک همه مردم باشد. جامعه ای جهانی بدون طبقات، بدون تبعیض، بدون کشور و بدون دولت مدتهاست مقدر است. خود سرمایه داری مقدمات مادی این نظام اقتصادی نوین را فراهم کرده است.*



ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

تجمع اعتراضی کارگران گروه ملی فولاد اهواز

«علیه ظلم و بیاد می‌جنگیم می‌جنگیم»! چهارشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۱، تجمع تعدادی از کارگران فولاد اهواز برای پنجمین روز متوالی - مقابل استانداری خوزستان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان برگزار شد. خواسته‌های کارگران فولاد که در اعتراض به اخراج کارگران و رفع فشارهای امنیتی نیروهای حراست دست به تجمع زده‌اند از این قرار است: «بازگشت همکاران اخراجی‌شان بر سر کار»، «راه اندازی خطوط تولید»، «باز کردن کارت تردد همکاران»، «پرداخت حق بدی آب و هوا» و «اجرای طرح طبقه‌بندی».

اعتراض کارگران نیروگاه تبریز به نحوه اجرای طرح طبقه‌بندی

. کارگران و کارکنان نیروگاه برق حرارتی تبریز به عنوان نیروهای شرکت مادر تخصصی مدیریت تولید برق آذربایجان شرقی امروز به شیوه اجرای طرح طبقه‌بندی که موجب کاهش حقوق پرسنل (در حدود دو میلیون تومان) شده است، اعتراض کردند. اعضای انجمن صنفی کارگران این شرکت از ماه‌های گذشته تا روزهای اخیر پیگیر اجرای طرح طبقه‌بندی از اداره کل کار استان آذربایجان شرقی و اداره کار تبریز بوده‌اند. کارگران این مجموعه نیروگاهی حرارتی اظهار می‌کنند که مدیرعامل شرکت برای پاسخگویی در میان آنها تاکنون حضور نیافته است.

تجمع اعتراضی نگهبانان چاه‌های نفتی اهواز

جمعی از کارگران نگهبانان چاه‌ها و نیروهای دستورکاری تاسیسات شرکت نفت و گاز کارون بویژه در روستاهای بخش غزانیه اهواز، روز دوشنبه سوم مرداد ۱۴۰۱ در اعتراض به عدم تغییر وضعیت به قراردادی (قانون اداره کار) و محرومیت از برخی حقوق و مزایای قانونی مقابل ستاد مدیریت شرکت مناطق نفت خیز جنوب تجمع و خواهان رسیدگی مسئولان مربوطه به مطالبات خود شدند. این کارگران خواهان ثبت قراردادهای خود در قالب سامانه ساپنا در راستای تامین امنیت شغلی و برخورداری از مزایای مصوب هستند.

اعتراض کارگران تولی پرس قزوین به پرداخت بیمه بیکاری به جای حقوق

به گفته کارگران تولی پرس، این شرکت از اسفند سال گذشته درگیر مشکل پرداخت معوقات حقوقی کارگران بوده است. تعدادی از پرسنل و کارگران شرکت تولی پرس قزوین در مقابل استانداری قزوین به تداوم روند معوقات حقوقی و خطر بیکاری برای کارگران این شرکت اعتراض کردند. به گفته یکی از کارگران؛ از اسفند سال گذشته این شرکت به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های هولدینگ داروگر درگیر مشکلات اقتصادی بوده و از آن تاریخ کارگران معوقات پرداختی و

حقوقی دارند که هنوز وصول نشده است. ضمن اینکه پیش از این کارگران در محوطه شرکت چندین بار اقدام به اجتماع اعتراضی پیرامون وضعیت حقوقی خود کرده بودند.

کمپین کارگران پیمانکاری پارس جنوبی/ منتظر تصویب طرح ساماندهی هستیم

کارگران پیمانکاری سکویهای پارس جنوبی خواستار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل هستند. این کارگران در کمپینی خطاب به رسانه‌ها و مسئولان نوشته‌اند: «ما جمعی از کارگران پیمانکاری شرکت نفت و گاز پارس جنوبی خواهان اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل هستیم؛ پس از گذشت دو سال از اعلام موضوع طرح طبقه بندی هنوز هیچ وعده‌ای برای اصلاح آن عملی نشده؛ انگیزه کاری ما تضعیف و پیش خانواده‌ها با این حقوق ناکافی شرمند هستیم... کار زیاد و گرمای شدید در محروم ترین نقطه، حقوق کم و عدم اجرای صحیح طرح طبقه بندی باعث بروز مشکلات معیشتی بسیار برای ما شده است...».

تجمع اعتراضی مجدد کارکنان مخابرات منطقه یزد

کارکنان مخابرات منطقه یزد در ادامه تجمع‌های اعتراضی و سه تجمع تیرماه خود، صبح روز یکشنبه دوم مرداد ۱۴۰۱ دست از کار کشیدند و با تجمع در ساختمان مرکزی مخابرات این استان خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شامل حق جذب، پاداش بهروری و ... شدند. این کارکنان معترض همچنین با توجه به گذشت ۴ ماه از سال ۱۴۰۱ خواستار صدور حکم افزایش حقوق و رفع مشکلات و اختلال‌های خدمات بیمه تکمیلی و پرداخت هزینه‌های درمانی و بیمارستانی خود شدند.

تجمع اعتراضی کارگران برق منطقه‌ای خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد

کارگران برق منطقه‌ای خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به وضعیت حقوق و مزایای خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

تجمع کارگران شهرداری نیشابور در اعتراض به عدم پرداخت به مطالباتشان

کارگران خدماتی و فضای سبز شهرداری نیشابور؛ روز سه‌شنبه ۴ مردادماه به محقق نشدن وعده‌های مسئولان برای وصول مطالباتشان مقابل ساختمان شهرداری نیشابور اعتراض کردند. آن‌ها مدعی‌اند برخلاف وعده‌ای که مسئولان شهرداری و اعضای شورای شهر نیشابور به آن‌ها داده بودند، هنوز هیچکدام از مطالبات آن‌ها محقق نشده است.

اعتراض کارگران مادیران نسبت به حقوق پایین

کارگران شرکت مادیران واقع در شهرک صنعتی هشتگرد

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

از طریق عضویت در حزب کومله نیز متهم شده بود که از این اتهام تبرئه شد. ریویار عبدالهی را ۱۰ بهمن ۱۴۰۰ هنگام خروج از خانه اش بازداشت کردند. او ۱۸ اسفند گذشته با وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی از زندان مرکزی سنجندج آزاد شد.

برگزاری جلسه بازپرسی گلنار قدیمخانی، هاوژین لطیفی و آرمین شریفه

بنابه گزارشاتمی که در شبکه های اجتماعی منتشر شده است: روز چهارشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۱، گلنار قدیمخانی از معلمان سنجندج، آرمین شریفه فعال کارگری و همسر وی هاوژین لطیفی که توسط شعبه ۲ بازپرسی دادسرای سنجندج برای اخذ آخرین دفاعیات احضار شده بودند مورد بازپرسی قرار گرفتند. اتهام انتسابی به هر سه نفر آنها «تبلیغ علیه نظام» عنوان شده بود. در این جلسه بازپرسی برای گلنار قدیمخانی وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی تعیین شد که با تودیع وثیقه بطور موقت تا زمان برگزاری دادگاه آزاد شد. گلنار قدیمخانی از معلمان باسابقه سنجندج و همسر مظفر صالح‌نیا از اعضای هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران است که روز ۲۷ اردیبهشت‌ماه با یورش مأموران اطلاعات سپاه به منزل ایشان و تفتیش و ضبط وسایل شخصی، وی را به اطلاعات احضار کردند. گلنار قدیمخانی پس از حضور در اطلاعات سپاه و چند ساعت بازجویی همان روز آزاد شد. آرمین شریفه و هاوژین لطیفی نیز روز ۳۱ اردیبهشت پس از مراجعه مأموران اطلاعات سپاه به منزل‌شان و تفتیش و ضبط وسایل شخصی آنها را بازداشت کرده و پس از چند ساعت بازجویی آزاد کرده بودند.

نسبت به سطح پایین حقوق، ساعت کاری طولانی و کاهش مزایا و دیگر مشکلاتشان اعتراض کردند.

تجمع اعتراضی دانشجویان پزشکی بهشتی

بنابر اخبار منتشرشده، تاکنون مسئولی در میان دانشجویان و کارورزان پزشکی معترض حاضر نشده است. این تجمع به دنبال سکوت مسئولین و انفعال ایشان پس از ۹ روز اعتصاب اینترن‌های پزشکی رخ داده است.

تداوم اعتصاب غذای حسن سعیدی و بی خبری از سلامت جسمانی شهابی

روز پنجم مرداد ماه سی و پنج روز از اعتصاب غذای حسن سعیدی در بند ۲۰۹ زندان اوین می‌گذرد و این فعال سندیکایی همچنان در اعتصاب غذا میباشد و شرایط جسمانی خوبی ندارد. رضا شهابی پایان اعتصاب غذا پیش را در چهل دومین روز، سوم مرداد ماه در ملاقات حضوری در حالی به خانواده اش اعلام کرد که اوضاع جسمانی اش بشدت وخیم بوده و بعد از پایان اعتصاب غذایی تا کنون هیچ تماس تلفنی نداشته است. با توجه به شرایط بسیار بد جسمانی ایشان، نگرانی‌ها در مورد سلامت رضا شهابی کارگر زندانی بیشتر شده است.

ملاقات سمانه عابدینی با جعفر ابراهیمی

خانم سمانه عابدینی همسر جعفر ابراهیمی بدنبال پیگیری مستمر روز دوشنبه سوم مرداد در حیاط زندان اوین با همسرش ملاقات کرد. روحیه و وضعیت جسمی این فعال صنفی معلمان خوب توصیف شده است. جعفر ابراهیمی در این ملاقات گفته که سه چهار روزی هست که از انفرادی به اتاق‌های چند نفره زندان اوین منتقل شده است.

ملاقات خدیجه پاک‌ضمیر با محمدحبیبی

خانم خدیجه پاک‌ضمیر روز دوشنبه سوم مرداد ملاقات کوتاهی با همسرش محمد حبیبی در حیاط زندان اوین داشت. محمد حبیبی در این ملاقات به انتقال از انفرادی بند ۲۴۰ به انفرادی بند ۲۰۹ و سپس به سلول چند نفره بند ۲۰۹ زندان اوین اشاره کرده است. محمد حبیبی به همراه جعفر ابراهیمی و رسول بدایقی صبح ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ یک روز قبل از تجمع روز معلم در تهران بازداشت شده است. اسکندر لطیفی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه، همچنان در زندان اوین در وضعیت بلاتکلیفی به سر می‌برند. لازم به یادآوری است که قرار بازداشت این فعالان صنفی بعد از سه بار تمدید ۳۰ روزه، روز دوشنبه، دهم مرداد ۱۴۰۱ به پایان خواهد رسید.

ریویار عبدالهی، فعال کارگری به دو سال حبس تعلیقی محکوم شد. ریویار عبدالهی، فعال کارگری اهل سنجندج، به دو سال حبس تعلیقی محکوم شده است. شعبه اول دادگاه انقلاب سنجندج علیه او به اتهام «تبلیغ علیه نظام» این حکم را صادر کرد. عبدالهی به «اقدام علیه امنیت ملی»

**Workers,
Rise Up Against
The Capitalist War!**

**Not To War,
Not To Austerity!**

حکمت
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمت
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

دور جدید مبارزات کارگران گروه ملی فولاد اهواز



کارگری هستند که کارگران طی آن در سالن اجتماعات فولاد تصمیم می گیرند و اداره کار و کارفرما و مسئولان استانی هم بارها برای پاسخ به سوالات کارگران ناچار از حضور در آن شدند.

کارگران فولاد باید این وضعیت را یکسره کنند. تعیین تکلیف مالکیت شرکت، بازسازی و اورهال، ورود ماتریال تولید برای قسمتهای مختلف، اجرای طبقه بندی مشاغل، برسمیت شناختن اراده جمعی کارگران و نمایندگان منتخب شان، متوقف کردن انسدادهای ورود کارگران از جمله آقایان کریم سیاحی، غریب حویزآوی، کاظم حیدری، مصطفی عیبات، علی الاهیفر، حسن جاوید حمودی و هادی وائلی از خواستههای فوری کارگران فولاد است.

از اعتراض و تجمع کارگران قهرمان فولاد اهواز حمایت کنیم. درود بر رزم و اتحاد کارگران فولاد!

#کارگران_فولاد_اهواز
۲۵ جولای

کارگران فولاد در آخرین دور از اعتراضات اخیرشان مقابل استانداری خوزستان تجمع میکنند. دو مسئله اصلی کشمکش دور اصلی را توضیح میدهد: اول، وعده های تحقق نیافته در جلسات و مجمع عمومی ها با حضور علی مهدی و مسئولات ذریب استانی و دوم، تلاش امثال ارسلان غمگین رئیس اداره کار خوزستان برای تحمیل شورای اسلامی بعنوان «تشکل رسمی» کارگران فولاد!

مورد اول یعنی طبقه بندی مشاغل، راه انداختن شرکت و آوردن ماتریال برای تولید و اورهال بخشهای لازم، تعیین تکلیف حقوقی و ملکی شرکت که هنوز بدرستی معلوم نیست مالک آن بانک ملی است یا دولت یا سرمایه داران خصوصی، برسمیت شناختن تصمیمات کارگران و نمایندگانشان که توسط مجمع عمومی های کارگری اتخاذ میشود، خاتمه دادن به انسدادهای ورود نمایندگان کارگران که هم اکنون کارت هفت نفر از آنان: کریم سیاحی، غریب حویزآوی، کاظم حیدری، مصطفی عیبات، علی الاهیفر، حسن جاوید حمودی و هادی وائلی مسدود شده است. مسدود کردن کارت ورود به شرکت در گروه ملی مسبوق به سابقه است و هر بار کارفرمایان ناچار شدند زیر فشار اتحاد کارگران فولاد به اراده کارگران تن دهند.

مورد دوم، شورای اسلامی ضد کارگر در فولاد جایی نداشته و ندارد. اداره کار برای تحمیل شورای اسلامی نه یکبار بلکه چند بار شکست خورده است. کارگران فولاد در آخرین بار اجازه ندادند که شورای اسلامی دکان انتخابات را در گروه ملی راه بیندازد و مسئولین را با صندوق کذایی شان از شرکت بیرون انداختند. حال ارسلان غمگین این بار و یاور کارفرمایان در اداره کار خوزستان تلاش دارد شورای ضد کارگری اسلامی را به کارگران فولاد بعنوان «تشکل رسمی» کارگری تحمیل کند. سیاستی شکست خورده که کارگر فولاد مطلقاً زیر بار آن نمیروند. تشکل رسمی کارگران فولاد مجامع عمومی

مجمع عمومی ظرف ابراز وجود

مستقیم و مستمر کارگران است!

مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به

هر نیازی برپا کنید!

جنبش مجمع عمومی را

گسترش دهید!

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا

ایجاد کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا

ارگان حاکمیت!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بر علیه سرکوب، حربه زنگ زده جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی که در چنبره بحران‌های درهم تنیده سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی گرفتار است بار دیگر ماشین سرکوب خود را در ابعادی گسترده‌تر از پیش بکارگرفته و فعالین جنبش‌های سیاسی و اجتماعی، کارگران و معلمان، زنان، مادران جان باختگان، فرهنگ‌گورزان و هنرمندان را آماج قرار داده و به زندان انداخته است. وحشت رژیم از گسترش فرآینده خیزش‌های از پائین و تحرک اجتماعی اکثریت مردمی است که از فقر و فلاکت و تبعیض و اختناق به تنگ‌آمده و می‌خواهند این رژیم از گور برآمده را به گورستان تاریخ بسپارند.

اعتصابات و اعتراضات فرآینده کارگران و معلمان، تحرک اجتماعی انبوهی از نسل جوان به حاشیه رانده شده که سوژه اصلی خیزش‌های بزرگ سال‌های اخیر بوده و نگران کار و آینده بهتر است، مقاومت جسورانه زنان علیه حجاب اجباری و تبعیض جنسیتی، مبارزه دانشجویان بر علیه کالایی شدن آموزش و پادگانی شدن دانشگاه، اعتراضات زحمتکشان و قیام تشنگان که سیاست‌های تخریب محیط زیست رژیم و کمبود آب، زندگی آن‌ها به مخاطره انداخته است، مبارزه فرهنگ‌گورزان و هنرمندان علیه سانسور و برای آزادی بیان و آفرینش خلاقانه آثار فرهنگی و هنری و... همه و همه نشانه‌هایی از وحشت رژیم از گسترش اعتراضات و رشد جنبش‌های از پائین است. اما واقعیت این است که سرکوب و اختناق و زندان دیگر اثر نداشته و حربه‌ی کهنه شده و زنگ‌زده‌ای است که نمی‌تواند جنبش‌های اجتماعی را به عقب براند. سیاست سرکوب اما می‌تواند روند معکوس داشته و زمینه ساز تحرک بیشتر این جنبش‌ها شده، بحران در حاکمیت و شکاف در دستگاه سرکوب را ژرف‌تر و شرایط برای سرنگونی جمهوری اسلامی را هموار کند.

تحت چنین شرایط متحولی، اپوزیسیون راست می‌کوشد با سواستفاده ابزاری از تحرک جنبش‌های اجتماعی، بند و بست با امپریالیسم و عملکرد ابررسانه‌های وابسته به پول دولتهای ارتجاعی و نیز پیام‌های آشکار و نهان به رهبران سپاه و نیروی‌های نظامی، دستگاه بورکراتیک- نظامی سرمایه‌داری را حفظ و در قدرت سیاسی مشارکت کند. در این شرایط متحول اما فعالین کارگری، پیشروان جنبش‌های اجتماعی و نیروهای چپ و کمونیست تلاش می‌کنند از درون این جنبش‌ها و با اتکا به قدرت جنبش خودگردان کارگران و زحمتکشان، مبارزه بر علیه استثمار و ستم و سرکوب را افزایش داده و راه را برای سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، شکل‌گیری دولت کارگری و شورایی و برقراری آزادی و برابری هموار کنند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، این بازداشت‌ها را محکوم و همه آزادی‌خواهان را به دفاع از دستگیرشدگان فرامی‌خواند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

27.7.2022/05.05.1401

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

jamalkamangar@yahoo.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال

آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و

دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!